



## بررسی تشدید مجازات در فقه و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

حامد هادیان

دانشجوی دکتری تخصصی حقوق جزا و جرم شناسی - دانشگاه آزاد واحد نجف آباد  
hamedhadiyan92@gmail.com

مهدی هادیان

دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی - مدرس دانشگاه و بازپرس دادسرای عمومی و انقلاب اصفهان  
mehdihadiyan131@gmail.com

### چکیده

گاهی اوقات شرایط و اوضاع و احوال و علل و موجبات به گونه ای است که اقتضا می کند در مجازات افراد خاطی با شدت بیشتری برخورد شود. علل مشدده مجازاتها دو نوع هستند. علل مشدده عام که در قالب تعدد و تکرار جرم نمود پیدا می کنند و علل مشدده خاص که در غالب عنف، زمان و مکان وقوع جرم، به کار بردن سلاح، احسان، سردستگی، مستی و غیره نمود پیدا می کنند. فقه امامیه به عنوان مهمترین منبع الهام بخش به قوانین جزایی مبنای تعدد جرم در فقه امامیه قاعده جمع مجازاتها و مبنای تکرار جرم نیز تشدید مجازات حدی در مرتبه سوم یا چهارم می باشد. مبنای تعدد جرم در ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ اجرای مجازات اشد و تکرار جرم تشدید مجازات در مرتبه چهارم می باشد که مبانی و معیارهای حقوقی آنها نیز مشخص می شود. تحقیق حاضر هدف با شناخت و بررسی تشدید مجازات در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با نگاهی به فقه، به روش توصیفی - تحلیلی و کتابخانه ای به انجام رسید.

واژگان کلیدی: تشدید مجازات، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، فقه



## Abstract

Sometimes the conditions and circumstances and the causes and circumstances of such a that demands to punish offenders more severely dealt with. two types of punishments are aggravating circumstance. general aggravating circumstance in terms of the number and found that recidivism and specific aggravating circumstance in the form of rape, time and place of the crime, use of weapons, bound, Leadership, drunkenness, etc. are to be found. Jurisprudence as the most important source of inspiration to the multiplicity of offenses in the Criminal Code Jurisprudence rule of collective punishment and also punishment on recidivism is expected in the third or fourth. IPC approved in 2013 the number of crimes and recidivism maximum penalty is a punishment for the fourth time they also defined the principles and legal standards. The present study aimed at identifying and studying the punishment in the Penal Code Act 2013 with a view to jurisprudence, a descriptive study was conducted and a library.

**Keywords:** punishment, Islamic Penal Code in ۲۰۱۳, Jurisprudence



## مقدمه

معمولا مجازاتها دارای نقش تعیین کننده برای کاهش جرم هستند و حتی گاهی برخی از دیدگاه ها بر آن، به عنوان مهمترین و تنها راه حل کاهش جرم، تاکید ویژه دارند. به صورت سنتی در اکثر جوامع، در بحث درباره کنترل جرم و نظم اجتماعی، با رویکردی حقوقی بیشترین اهمیت به مجازات داده می شود و بیان می شود که اگر مجازات درست اعمال شود جرمی رخ نخواهد داد. در گذشته به خاطر خودکامگی قضات، اندیشمندان نظامی قضایی که دارای نظام مجازاتهای ثابت باشند را پیشنهاد می دادند، اما امروزه با پیشرفتهایی که در علوم جزایی حاصل شد دیدگاه ها به سوی حداقل و حداکثر مجازاتها، تخفیف، تبدیل و تشدید مجازاتها معطوف شد تا قوانین جزایی کارایی و کارآمدی بیشتری را داشته باشند. مهمترین قانونی که در ایران و تمامی کشورها ارتباطی مستقیم با حیثیت، جان، مال، ناموس و شخصیت افراد دارد، قانون مجازاتها و در ایران قانون مجازات اسلامی است.

تشدید مجازاتها یکی از نهادهای بسیار مهم قوانین برای مبارزه با کسانی است که ضرر دو چندان به جامعه می رسانند، همچنین گاهی اوقات شرایط و اوضاع و احوال به دلایلی به گونه ای است که اقتضا می کند در مجازات افراد خاطی با شدت بیشتری برخورد کرد.

## پیشینه تحقیق:

- رحمانی منشادی (۱۳۹۴) در مقاله ای با عنوان منع تشدید مجازات در مرحله تجدیدنظر می نویسد: تخفیف مجازات متهم در مرحله ی تجدیدنظر، در صورتی که موجبات آن موجود باشد، هر چند متهم تجدیدنظرخواهی نکرده باشد، امری جایز است؛ زیرا، تخفیف مجازات، وی را در وضعیت بهتری قرار می دهد. قاعده نیز آن است که استیناف و تجدید نظر نباید متهم را در وضعیت بدتری قرار دهد.

- رحمدل (۱۳۸۸) در تحقیق خود با عنوان منع تشدید مجازات در مرحله ی تجدید نظر می نویسد: ایین دادرسی کیفری در مقایسه با قانون کیفری ماهوی، حقوق متهم را تضمین می کند. به نحوی که هدف آن تشخیص اتهامات صحیح از سقیم و ایجاد توازن میان منافع جامعه به عنوان طرف اصلی دعوی عمومی و منافع متهم به عنوان فردی پاسخ گو در برابر اتهام است. نقش حمایتی ایین دادرسی کیفری، فقط به مرحله ی تحقیقات مقدماتی و رسیدگی ناظر نیست، بلکه در مرحله ای پا را از نقش خود فراتر نهاده و با دخالت در قواعد حقوق کیفری ماهوی برای آن محدودیت هایی نیز ایجاد می کند یکی از آنها، منع تشدید مجازات متهم در مرحله ی تجدید نظر است.

- عبدالهی (۱۳۷۲) در پایان نامه خود با عنوان « تشدید مجازات در حقوق کیفری ایران » می نویسد: نه تنها در جوامع کنونی، بلکه در اعصار بسیار دور نیز تشدید مجازات مد نظر بوده و شواهدی از آنها در تاریخ یافت می شود. در این باره می توان به مجمع القوانين حمورابی و مقررات بجای مانده از تمدن ایران باستان اشاره کرد. عوامل و کیفیات تشدید مجازات متنوع بوده و بطور کلی تحت عناوین علل عام و خاص تشدید مجازات مورد بررسی قرار گرفت.

## تشدید مجازات:

تشدید در لغت به معنی شدت بخشیدن و بدتر و سخت تر کردن است. معنی اصطلاحی آن از معنی لغوی اش دور نیفتاده است؛ به نحوی که منظور از آن بدتر کردن وضعیت؛ متهم در مرحله ی تجدیدنظر نسبت به مرحله ی بدوی است. این تشدید می تواند مصادیق مختلفی پیدا کند. افزایش میزان مجازات و نیز تبدیل آن به نوعی دیگر که با توجه به وضعیت متهم، نامناسب به حال وی باشد یا خارج کردن آن از حالت تبدیل و اعاده ی آن به حالت سابق (برای مثال دادگاه متهم را به جای حبس به جزای نقدی محکوم کرده و دادگاه تجدیدنظر دوباره آن را به حبس تبدیل کند)، از مصادیق تشدید است.



به طور کلی هر اقدامی که وضعیت متهم را نسبت به مرحله ی بدوی بدتر نماید، تشدید تلقی می شود. در این معنا، تغییر مجازات جنحه ای به جنایی یا تعیین مجازات حبس با اعمال شاقه به جای حبس ساده، می توانست از مصادیق تشدید باشد. (در حال حاضر تقسیم جرایم به جنایت، جنحه و خلاف وجود ندارد).

ماده ۱۳۴-در جرائم موجب تعزیر هرگاه جرائم ارتكابی بیش از سه جرم نباشد دادگاه برای هر یک از آن جرائم حداکثر مجازات مقرر را حکم می کند و هرگاه جرائم ارتكابی بیش از سه جرم باشد، مجاز است هر یک را بیش از حداکثر مجازات مقرر قانونی مشروط به اینکه از حداکثر به اضافه نصف آن تجاوز نکند، تعیین می نماید. در هر یک از موارد فوق فقط مجازات اشد قابل اجراء است و اگر مجازات اشد به یکی از علل قانونی تقلیل یابد یا تبدیل یا غیرقابل اجراء شود، مجازات اشد بعدی اجراء می گردد.

در هر مورد که مجازات فاقد حداقل و حداکثر باشد، اگر جرائم ارتكابی بیش از سه جرم نباشد تا یک چهارم و اگر جرائم ارتكابی بیش از سه جرم باشد تا نصف مجازات مقرر قانونی به اصل آن اضافه می گردد.

تبصره ۱- در صورتی که از رفتار مجرمانه واحد، نتایج مجرمانه متعدد حاصل شود، طبق مقررات فوق عمل می شود.

تبصره ۲- در صورتی که مجموع جرائم ارتكابی در قانون عنوان مجرمانه خاصی داشته باشد، مقررات تعدد جرم، اعمال نمی شود و مرتکب به مجازات مقرر در قانون محکوم می گردد.

تبصره ۳-در تعدد جرم در صورت وجود جهات تخفیف، دادگاه می تواند مجازات مرتکب را تا میانگین حداقل و حداکثر و چنانچه مجازات، فاقد حداقل و حداکثر باشد تا نصف آن تقلیل دهد.

تبصره ۴-مقررات تعدد جرم در مورد جرائم تعزیری درجه های هفت و هشت اجراء نمی شود. این مجازات ها با هم و نیز با مجازات های تعزیری در جهه یک تا شش جمع می گردد.

### فلسفه تشدید مجازات

در اسلام یکی از عوامل مهم در تعیین مجازات، اعمال قاعده تشدید است، گاهی عمل مجرمانه ای که صورت می گیرد توأم با خطرات بیشتری برای جامعه بوده و بالطبع تنفر و انزجار بیشتری را برای افراد جامعه به وجود می آورد. در این حالت قانونگذار در راستای تحقق بخشیدن اصلاح، مجازات های سنگین تری برای این قبیل افراد منظور می نماید، مجرمی که فرایند کیفری را پیموده ولی طعم تلخ مجازات نتوانسته او را متنبه کند و در اصلاح او مؤثر واقع شود و مجدداً اقدام به تکرار همان جرم بنماید، منطقی است که اعمال مجازات در حق وی تشدید گردد.

قانونگذار در مورد تشدید مجازات حساسیت زیادی به خرج داده است و برخلاف تخفیف مجازات که قاضی دارای اختیارات زیادی است، قاضی دادگاه در مواردی می تواند مجازات را تشدید کند که قانون به او اجازه داده است و در غیر این صورت نمی تواند مجازات جرمی را تشدید کند، هرچند جرم ارتكابی، زنده و خطرناک باشد.

فلسفه تشدید مجازات در حقوق جزای عمومی عبارتست از :

۱) شدت خطر جرم برای جامعه :

۲) تنفر و انزجار شدید جامعه :

۳) عدم تنبه مرتکب :

۴) روحیه اصلاح ناپذیری مجرم :

هر یک از صور چهارگانه فوق زمینه تشدید مجازات می باشد .

### طبقه بندی تشدید مجازات

از منظر فقه شیعه عوامل تشدید مجازات دارای انواع مختلفی هستند و از جهات گوناگون قابل قسمت اند:



در یک تقسیم‌بندی می‌توان علل تشدید مجازات را به سه قسمت تقسیم کرد:

علل که مربوط به قربانی جرم هستند، مانند سن و وضعیت جسمانی، وضعیت خانوادگی، درجه قرابت. چنانکه در مسائل مربوط به «زنا با محارم» در کتب فقهی ما چنین آمده است: اگر کسی با یکی از زنهایی که محرم نسبی او هستند، مرتکب زنا شود، حد او کشتن است. ولی در محرم‌های رضاعی و سببی این حکم نیست (محقق حلی، ۱۴۱۵)، یا در مسائل مربوط به «آمیزش با مردگان» آمده است: نزدیکی بازن مرده از حیث تعلق گناه، حد، شرط بودن یا نبودن احسان و... مانند نزدیکی بازن زنده است و بلکه در اینجا جرم و گناه زشت‌تر است پس مجازات آن تشدید می‌شود و میزان آن بسته به نظر حاکم شرع است. (محقق حلی، ۱۴۱۵: ۱۷۴) یا مانند: وصف دینی یا حرفه قربانی جرم. توهین و سب پیامبر (ص) و جانشینان اطهرش - صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین - از همین باب است.

علل که مربوط به خود مجرم هستند مانند، انگیزه‌های پست مادی و یا ارتکاب جرم با توطئه قبلی. (زراعت، ۱۳۸۲: ۱۸۶) و یا شرایط زندگی او مانند محسن بودن. می‌دانیم در مساله حد زنا میان «زنا با محسن» و «غیر محسن» فرق است، در زنا با غیر محسن حد و مجازاتش تازیانه است، ولی در زنا با محسن حد آن اعدام می‌باشد.

این تشدید مجازات به خاطر آن است که شخص مجرم در صورت دوم داشتن بهانه، مرتکب چنین عمل خلافی شده است؛ زیرا منظور از زنا با محسن و غیر محسن این است که «مرد زن‌دار» یا «زن شوهردار» که نیاز جنسی او از طریق صحیح و مشروع برطرف می‌شود، به سراغ آلودگی برود که در این صورت مجازات اعدام برای او در نظر گرفته شده است، در حالی که مرد بدون همسر، و زن بی‌شوهر دارای چنین حکمی نیست و محکوم به تازیانه است. جالب اینکه تنها داشتن زن و یا شوهر برای «محسن» و «محسنه» بودن کافی نیست، بلکه باید همسرش نزد او و در اختیار او باشد، بنابراین چنانچه به خاطر مسافرت، یا زندانی بودن، یا بیمار بودن به گونه‌ای که نتواند با او آمیزش جنسی داشته باشد و این نیاز بطور مشروع بر طرف نگردد حد اعدام در مورد او جاری نمی‌شود، و داخل در عنوان محسن و محسنه نیست. (محقق حلی، ۱۴۱۵ و سید روح الله، ۱۴۰۹)

حتی اگر کسی ازدواج کرده و هنوز اقدام به عروسی نکرده است هر چند از نظر قانونی زن شوهردار و مرد زن‌دار محسوب می‌شود باز حکم زنا با محسنه بر او جاری نمی‌شود. (محقق حلی، ۱۴۱۵ و سید روح الله، ۱۴۰۹)

علاوه بر این، فقهای ما تصریح کرده‌اند که محسن و محسنه بودن موکول به «عقد دائم» است، یعنی عقد ازدواجی که فکر او را کاملا راحت و نیاز جنسی او را کاملا تامین کند، بنابراین «عقد موقت» هرگز نمی‌تواند دلیل بر محسن و محسنه بودن و اجرای حد اعدام بوده باشد. (همان)

علل که مربوط به جرم هستند، مانند ارتکاب جرم با اسلحه یا سرقت شبانه، که فقهای عظام مرتکب چنین جرمی را محارب می‌دانند و جزای سختی را برای آن بیان کرده‌اند. شرایط زمانی و مکانی که در تشدید مجازات دخیل هستند از همین قسم است. چنانکه در مسائل مربوط به «حد زنا» در کتب فقهی ما چنین آمده است «کسی که در زمان مقدس و شریفی همچون ماه مبارک رمضان یا روز جمعه و اعیاد اسلامی که پاسداری حرمت آن‌ها لازم است، یا در مکان مقدسی همچون مسجد و حرم مکه یا حرم‌های مقدسه پیامبر و ائمه اهل بیت (ع) مرتکب عمل شنیع زنا شود علاوه بر حد شرعی مقداری نیز بر آن افزوده می‌شود، این افزایش بسته به نظر حاکم شرع است، و باید خصوصیات زمانی و مکانی و احترام حریمی که شکسته شده و گاه مجموعه امور مختلف را با هم در نظر بگیرد و برطبق آن مجازات را تشدید کند». (محقق، شیخ قربانعلی، «توضیح المسائل» ص ۶۰۷ مسأله ۲۹۷۷ و ۲۹۷۸)

این حکم اسلامی به خوبی نشان می‌دهد که اهمیت جرم تنها بسته به «جنبه ذاتی» آن نیست، بلکه خصوصیات زمانی و مکانی کاملا در آن موثر می‌باشد.





در مورد «دیه قتل» و مقدار آن نیز در کتب فقهی آمده است که اگر قتل در ماه‌های حرام (ماه‌های مقدسی که جنگ کردن بدون اجبار و تحمیل در آن حرام است، یعنی ماه رجب و ذی القعدة و ذی الحجه و محرم) رخ دهد در این صورت باید یک سوم مجموع دیه به عنوان تشدید مجازات اضافه پردازد. (محقق حلی، ۱۴۱۵ و سید روح الله، ۱۴۰۹)

همچنین اگر قتل در حرم مکه (منظور محدود‌های است که به نام حرم شناخته می‌شود اعم از مسجد الحرام و شهر مکه و مقداری از اطراف آن) واقع شود این تشدید (یک سوم) ثابت خواهد بود. (همان)

این مساله نیز دخالت خصوصیات زمانی و مکانی را در تشدید مجازات تأیید می‌کند.

در تقسیم بندی دیگر، به علل قانونی و علل غیر قانونی تقسیم می‌شوند: علل قانونی عللی هستند که در قانون پیش بینی شده است و قاضی دادگاه موظف به اجرای آن است. علل غیر قانونی آن دسته از عللی هستند که در قانون پیش بینی نشده‌اند و در اختیار قاضی دادگاه گذارده شده است تا با توجه به عواملی که در نظر وی مقتضی تشدید مجازات است، مجازاتی را تا حد اکثر قانونی تعیین کند. (محقق حلی، ۱۴۱۵ و سید روح الله، ۱۴۰۹)

در تقسیم بندی سوم عوامل تشدید مجازات به علل خصوصی و علل عمومی تقسیم می‌شوند. علل خصوصی به عللی گفته می‌شود که در موارد خاصی اعمال می‌شود، مانند کارمند بودن. (زراعت، ۱۳۸۲) علل عمومی تشدید مجازات به عوامل گفته می‌شود که به جرم معین اختصاص ندارد بلکه در هر جرمی که مصداق پیدا کند، موجب تشدید مجازات خواهد بود و جهات عمومی تشدید مجازات در حقوق جزای ما انحصاراً در دو مورد تعدد و تکرار جرم مصداق پیدا می‌کند یعنی تعدد و تکرار جرم در کلیه جرایم تعزیری و بازدارنده موجب تشدید مجازات می‌گردد.

### بررسی عوامل عمومی تشدید در مجازات‌های اسلامی

در فقه اهل بیت (ع) و قوانین حقوق موضوعه برای تشدید مجازات دو علت عمومی و فراگیر مطرح شده که در ذیل به بحث و بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

#### تعدد

یکی از عوامل عمومی تشدید مجازات که فی الجمله مورد قبول فقها قرار گرفته، تعدد جرم و ارتکاب مجدد همان جرم می‌باشد؛ زیرا عدالت و انصاف اقتضا می‌کند که مجازات کسی که یکبار مرتکب جرم شده است و آن کسی که چندین بار نظم اجتماعی را آشفته ساخته است یکسان نباشد، از سوی دیگر ارتکاب جرایم متعدد، گاه نشانه ناسازگاری و حالت خطرناکی بزهکار است. دفاع جامعه اقتضا می‌کند که نسبت به بزهکاران ناسازگار تصمیم دیگری جدا از مجازات اتخاذ گردد. (شاهبیاتی، ۱۳۸۴)

### بررسی قاعده تعدد در مجازات‌های اسلامی

#### تعدد در حدود

هرگاه جرایم متعدد ارتکابی حدی باشد، سه حالت برای آن متصور است:

الف. یا از نظر نوع مختلف است؛ مانند اینکه فردی مرتکب زنا، شرب خمر، کذب و... شود. در این فرض، تعدد در تشدید مجازات تأثیری ندارد بلکه برای هریک از جرایم، مجازات جداگانه‌ای تعیین می‌شود، منتها اگر مجازات یکی از جرایم قتل باشد، باید بعد از مجازاتی اجراء شود که قتل نیست. به عبارت دیگر، در فرض مزبور واجب است آن حدی که موجب نفی دیگری نمی‌شود مقدم داشته شود تا بدین ترتیب بین حقوقی که واجب است تحصیل گردند جمع شود. از اینرو اول حد تازیانه بر مجرم زده می‌شود و سپس قتل یا سنگسار. (نجفی، ۱۳۶۲: ۳۴۵)

مستند این حکم، روایاتی فراوانی است که بر وجوب مراعات این ترتیب دلالت می‌کند، از جمله در روایت صحیحی، زراره از امام باقر (ع) نقل می‌کند که حضرت فرمودند: «ایما رجل اجتمعت علیه حدود فیها القتل یبدأ بالحدود التي دون القتل ثم یقتل بعد ذالک» (حر عاملی، وسائل الشیعه)



و نیز روایت محمد بن مسلم از امام صادق (ع) در باره مردی که بر او چند حد است که یکی از آن‌ها قتل است، امام (ع) فرمود: «امیر المؤمنین علی (ع) اول آن حدود را اجر می‌فرمود بعد قتل را و با علی مخالفت نکن» نظیر این روایات، حسنه حماد بن عثمان و عبد الله بن سنان از امام صادق (ع) است. (همان)

ب. یا از نظر نوع واحد است، و اسباب همه آن‌ها نیز واحد باشد؛ مثلاً سه بار با یک‌زن در زمان‌های متفاوت مرتکب جرم زنا شود. در این صورت نیز تعدد جرم در تشدید مجازات تأثیر ندارد، بلکه از باب تداخل اسباب، فقط یک حد بر او جاری می‌شود؛ زیرا مقتضای اطلاق ادله، عدم فرق میان تکرار و وحدت است و با یک بار امتثال حاصل می‌شود، و نیز اصل بر برائت است، به خصوص آنکه حدود مبتنی بر تخفیف هستند. (طباطبایی، ۱۴۱۸: ۲۱۲) به علاوه در وجوب بیش از حد واحد، شک و شبهه است و حد با شبهه دفع می‌شود. (شهید ثانی، ۱۴۱۳)

قانونگذار در تبصره ۲ ماده ۱۳۲ قانون مجازات اسلامی نیز همین حکم را پسندیده و در این باره مقرر می‌دارد: «اگر مرد و زنی چند بار با یکدیگر مرتکب زنا شوند، چنانچه مجازات اعدام و جلد یا رجم و جلد ثابت باشد، تنها اعدام یا رجم حسب مورد اجراء می‌شود.» (گرچی، ۱۳۸۱: ۲۲)

ج. جرائم ارتکاب حتی از نوع واحد، اما اسباب همه آن‌ها متعدد باشد؛ مثل اینکه سه بار با زن‌های مختلف مرتکب زنا شود. در این فرض میان فقهای امامیه وحدت نظر وجود ندارند. بزرگانی چون مرحوم صاحب مختلف الشیعه (علامه حلی ۱۴۱۵)، صاحب جواهر (النجفی)، صاحب ریاض المسائل (طباطبایی، ۱۴۱۸) صاحب مسالک، (شهید ثانی، ۱۴۱۳) و از فقهای معاصر حضرت امام (۱۴۰۹)، میرزا جواد تبریزی، (تفیح مبانی الاحکام/ الحدود و التعزیرات، ۱۳۸۵) فاضل لنکرانی (۱۳۹۱) و... قائل‌اند که در این مسأله تعدد جرم در تشدید مجازات تأثیری ندارد و بین این صورت و صورت قبلی فرقی نیست، و در هر دو صورت از باب تداخل اسباب فقط یک حد جاری می‌شود این بزرگواران در این حکم، ادعای اجماع می‌کنند و مورد اتفاق بودن حکم مورد نظر را به بسیاری از علما نسبت می‌دهند.

در مقابل، فقهای چون ابن جنید اسکافی، شیخ صدوق قائل شده‌اند که در فرض یاد شده قاعده تداخل اسباب معنی ندارد، بلکه اسباب متعدد است، در نتیجه مسببات نیز باید متعدد باشد، و علی القاعده در مسأله مورد نظر، فردی مجرم، به سه بار مجازات زنا محکوم خواهد شد. (ساریخانی، ۱۳۹۲)

مستند این قول، روایتی ابی بصیر از امام باقر (ع) است: «قال: سألته عن رجل یزنی فی الیوم الواحد مراراً کثیره؟ قال: فقال: ان زنی بامرء واحد کذا و کذا مره فأتانا علیه حد واحد، فان هو زنی بنسوة شتی فی یوم واحد و فی ساعه واحده فان علیه فی کل امرءه فجر بها حداً» (حر عاملی، وسایل الشیعه)

ابی بصیر می‌گوید از امام باقر (ع) راجع به مردی که در یک روز چندین بار زنا می‌کند، پرسیدم. حضرت فرمود: اگر این چندین بار با یک زن بوده است، فقط یک حد بر او است. و اگر با چند زن در یک روز و یکساعت زنا کرده، بر آن مرد نسبت به هر زنی که با او عمل نامشروع انجام داده است، یک حد است. [

برخی از آقایان فقها (طباطبایی، ۱۴۱۷) در سند این حدیث مناقشه کرده و گفته سند این حدیث ضعیف است؛ زیرا در سلسله سند آن، علی بن ابی حمزه است که وی فطحی و واقفی مذهب است، بنابراین نمی‌توان به مقتضای این حدیث عمل کرد.

برخی دیگر (فاضل موحدی لنکرانی، ۱۳۹۱) از این مناقشه پاسخ داده‌اند که درست است که وجود فرد یاد شده در سند حدیث، موجب ضعف آن می‌شود، اما این روایت، روایت حسن بن محبوب است که وی از اصحاب اجماع می‌باشد، به همین جهت وجود وی در صدر سلسله سند این حدیث، ضعف یاد شده را جبران می‌کند. لکن اشکال عمده این روایت آن است که مشهور فقها از عمل کردن به این روایت اعراض کرده‌اند و با وجود اینکه این روایت در مرأی و منظر آنان بوده، به آن استناد نکرده‌اند فلذا به‌طور قطع و یقین می‌توان کشف



کرد که آنان دیدگاه خودشان را سینه به سینه و نسل به نسل از گذشتگان آموخته‌اند و می‌دانسته‌اند که روایت مذکور برخلاف رأی امام (ع) است، فلذا باید ملتزم به قول اول شد.

### تعدد در قصاص

تعدد در جرائم مستوجب قصاص نیز بی اثر است، یعنی مشمول اصل اولیه باب جرم و مجازات است. بنابراین اگر کسی مرتکب چند قتل عمدی شود، از باب جمع مجازات‌ها به هریک از جرائم ارتكابی محکوم خواهد شد، و این‌گونه نیست که علاوه محکومیت مذکور به پرداخت دیه نیز محکوم شود؛ به همین جهت فقهای ما تصریح کرده‌اند که اگر فردی دو یا چند نفر را بکشد، اولیای مقتولین، جز قصاص حقی ندارند، و نمی‌توانند علاوه بر قصاص، مطالبه دیه هم کنند همچنان است حکم در قصاص اعضاء. (محقق حلی، شرایع الاسلام) مستند این حکم، پیش از همه، روایات متعددی است که از ائمه ما رسیده. در یک روایتی حبیب سجستانی از امام باقر (ع) نقل می‌کند: «سألته عن رجل قطع یدی رجلین الیمینین، فقال (ع) تقطع یمینه اولاً و تقطع یساره للذی قطع یمینه اخیراً؛ لانه انما قطع ید الرجل الاخیر و یمینه للرجل الاول، الحدیث»

بنابراین تعدد در جرائم مستوجب قصاص بی نتیجه است و در صورت وقوع، برای هر جرمی، مجازات آن اعمال می‌شود.

### تعدد در دیات

قاعده تعدد در دیات نیز تأثیری در تشدید آن ندارد؛ زیرا بدیهی است در صورت ارتکاب جرائم متعدد مستوجب دیه، به پرداخت دیه همه آن جرایم محکوم است. (ساریخانی، ۱۳۹۲) و غیر از دیه مقرر چیزی دیگری بر عهده مرتکب جرائم مذکور نخواهد بود.

### تعدد در جرائم تعزیری

هرگاه تعدد در جرائم تعزیری باشد یعنی جرایمی که مقدار و حدود مجازات آن را شارع بیان نفرموده، بلکه تعیین آن را به عهده قاضی گذاشته (محقق حلی) دو حالت برای آن قابل فرض است:

الف) تعدد اعتباری و معنوی: به این معنی که فعل واحد دارای عناوین متعدده جرم باشد، به عبارت دیگر، فعل واحد منجر به نقض دو یا چند ماده از قوانین کیفری گردد، و آثار و نتایج زیانبار متفاوتی داشته باشد، مانند اینکه فردی با ارائه سند مجعول شروع به کلاهبرداری نماید. در اینصورت ارائه سند مجعول برای بردن مال غیر هم عنوان استفاده از سند مجعول را خواهد داشت و هم عنوان شروع به کلاهبرداری و یا مثل آنکه شخص هرج و مرج طلب، پمپ بنزین را به آتش بکشد. عمل مذکور، در عین اینکه فعل واحدیست اما تحت عناوین مختلف مجرمانه قرار می‌گیرد مثل ترساندن مردم، تخریب، رساندن آزار و اذیت و... در این فرض، تعدد از عوامل مشدده کیفر است، یعنی در این فرض، مجازات جرمی داده می‌شود که مجازات آن اشد است.

قانونگذار در ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی همین نظریه را پسندیده و در این باره مقرر می‌دارد: «در جرایم قابل تعزیر هرگاه فعل واحد دارای عناوین متعدده جرم باشد، مجازات جرم داده می‌شود که مجازات آن اشد مجازات است».

### تکرار

یکی دیگر از عوامل عمومی تشدید مجازات در فقه و حقوق اسلامی تکرار جرم است.

### تکرار در حدود

در مجازات‌های مستوجب حد، اجمالاً تکرار از علل تشدید مجازات است، اما اینکه چند مرتبه تکرار شود با چه شرایطی، تفصیلاتی دارد که در کتب فقهی به‌طور مشروح به آن‌ها پرداخته شده و ما در این تحقیق مختصر با توجه به برخی از اسباب موجب حد، این مسأله را پیگیری می‌کنیم.





## زنا

یکی از اسباب موجب حد به دلیل کتاب و سنت و اجماع مسلمین، زنا می‌باشد، که اگر تکرار شود و به عدد معینی برسد، مجازات مرتکب آن تشدید خواهد شد. اما اینکه آن عدد معین کدام است؟ میان علما و اندیشمندان اسلامی - در فرض که مرتکب آن انسان آزاد باشد - وحدت نظر وجود ندارد، و فقهای امامیه در این خصوص به سه گروه تقسیم می‌شوند:

گروه اول، فقهای که معتقدند که چنین مجرمی در مرتبه چهارم باید کشته شود. مرحوم سید مرتضی (الانتصار، ۵۱۹)، ابن زهره (عنیة النزوع الی علمی الاصول و الفروع، ص ۴۲۱)، شیخ طوسی (النهاية، ص ۶۹۴) شیخ مفید، (المقنعة) ابی صلاح حلبی (الكافی فی الفقه)، سار دیلمی (المراسم فی الفقه الامامیه)، قاضی ابن برآج طرابلسی (المهذب)، ابن حمزه طوسی (الوسیله الی نیل الفضیله، ص ۴۱۱) و علامه حلی (مختلف الشیعه، ص ۱۷۴) ابن جنید اسکافی (اشتهاردی) از این گروه به شمار می‌آیند. این دسته از فقها برای اثبات مدعیان شان به روایات متعددی استناد کرده‌اند؛ یکی از این روایات، موثقه ابی بصیر از امام صادق (ع) است. امام صادق (ع) در این روایت فرموده‌اند: «الزانی اذا زنی یجلد ثلاثاً و یقتل فی الرابعه» (شیخ حر عاملی) [زنا کاری که مرتکب زنا شود تا سه بار تازیانه و در دفعه چهارم کشته می‌شود].

همان گونه که ملاحظه می‌شود، امام (ع) در این روایت به صورت صریح مجازات مرتکبان زنا را در مرتبه چهارم کشتن آنان می‌داند، فلذا باید ملتزم به این قول شد.

گروه دوم، فقهای که معتقدند چنین مجرمی در مرتبه سوم باید کشته شود. از این گروه‌اند مرحوم شیخ صدوق در کتاب المقنع (۱۴۱۵)، ابن ادریس حلی در کتاب السرائر (۱۴۱۵)، محقق حلی در کتاب شرایع و مختصر النافع (شہید ثانی، ۱۴۱۳) شهید ثانی در مسالک الافهام (همان)

مرحوم محقق و شهید ثانی پس از آنکه در ابتدای بحث، مجازات مرتکبان زنا را کشتن آنان در مرتبه سوم می‌دانند، می‌فرمایند اولی و مطابق مقتضای احتیاط در دماء و حفظ جان، کشتن آنان در مرتبه چهارم است.

نا گفته پیدا است که این اولویت و احتیاط بدلیل آنکه پس از فتوا آمده است، استجابی است و نه از جهت فتوا. چنانکه خود آنان نیز به این نکته تذکر داده‌اند.

مستند این قول، روایت صحیح از امام کاظم (ع) است که حضرت فرمودند: «اصحاب الکبائر کلها، اذا اقیم علیهم الحد مرتین قتلوا فی الثالثه» (ابن ادریس) [تمامی مرتکبان جرایم بزرگ - در صورتی که بر آنان دو مرتبه اقامه حد بشود - بار سوم کشته می‌شوند] نحوه دلالت، آن است که این روایت عام است و شامل همه مرتکبان گناهان کبیره می‌شود و زنا یکی از مصادیق بارز گناهان کبیره است، فلذا مجازات مرتکبان آن - در صورتی که بر آنان دو مرتبه اقامه حد بشود - قتل در مرتبه سوم است. مرحوم ابن ادریس در کتاب سرائر علاوه بر آنکه برای اثبات این نظریه به روایت یاد شده، استناد می‌کند، در مورد آن ادعای اجماع نیز کرده است. (فاضل موحدی لنکرانی، ۱۳۹۱)

آن دسته از فقهای که به مضمون «موثقه ابی بصیر» فتوا داده‌اند حدیث یاد شده را مخصص «صحیحه یونس» دانسته‌اند و آن را بدلیل تقدم خاص برعام، حمل کرده‌اند بر جرائم غیر از زنا. (شہید ثانی، ۱۴۱۳)

مرحوم شهید ثانی در پاسخ می‌نویسد: روایتی که مورد استناد گروه اول قرار گرفت، ضعیف می‌باشد؛ زیرا در سند روایت یاد شده محمد بن عیسی است که او از یونس و اسحاق بن عمار روایت کرده است وی اگرچه ثقة است ولی فطحی مذهب می‌باشد و نیز ابو بصیر، که او نیز مشترک است بین ثقة و غیر ثقة. بدین ترتیب این روایت نمی‌تواند با صحیحه یونس) معارضه کند.



در مقابل این دو دیدگاه، دیدگاه سوم است و آن قتل در مرتبه پنجم است. یعنی هرگاه عمل زنا تکرار شود و تا چهار مرتبه بر او حد تازیانه اقامه شود، در مرتبه پنجم به قتل می‌رسد. این نظریه را مرحوم شیخ طوسی در کتاب الخلاف برگزیده و در مقام استدلال فرموده است: «دلایلنا اجماع الفرقه و اخبارهم». (شیخ طوسی، ۱۴۰۷)

تا اینجا بحث، در حکم ارتکاب زنا توسط انسان آزاد بود. اما اگر مرتکب زنا، انسان مملوک باشد- اعم از زن و مرد- و از او این عمل تکرار شود، مطابق نظریه مشهور علمای امامیه باید در مرتبه هشتم کشته شود. (النجفی، ۱۴۰۴) حتی عده‌ای این حکم را به اصحاب امامیه نسبت داده و در مورد آن ادعای اجماع نموده‌اند. مستند این نظریه روایات متعددی است، به عنوان نمونه در روایت صحیح امام صادق (ع) فرمودند: «اذا زنی العبد ضرب خمسين الى ثمان مرآت، فان زنی ثمان مرآت قتل و اذی الامام قیمته الی موالیه من بیت المال» (همان)

قول غیر مشهور در این مسأله این است که در مرتبه نهم کشته می‌شود، دلیل این قول، روایت از امام صادق (ع) است: «سأل الصادق عن امه زنت- الی ان قال: فیجب علیها الرجم فی شیء من الحالات؟ فقال: اذا زنت ثمان مرآت یجب علیها الرجم، فقال کیف صار ثمان مرآت؟ فقال: لان الحر اذا زنی اربع مرآت و اقیم علیه الحد فاذا زنت الامه ثمان مرآت رجمت فی التاسعه»

#### تفخیز، سحق، قذف، نوشیدن مست کننده‌ها

از اموری که موجب اجرای حد می‌شود و تکرار آن‌ها موجب تشدید مجازات، تفخیز، سحق، قذف، نوشیدن مست کننده‌ها می‌باشد. اختلافی که در مورد تشدید مجازات مرتکب زنا مطرح بود، در بسیاری از جرائم دیگری مستوجب حد، مانند امور یاد شده جاری است. مبنای این اختلاف، همان‌گونه که گفته شد، مختلف بودن روایات است. کسانی که قائل‌اند که در مرتبه سوم باید کشته شود، دلیل اصلی آنان همان اطلاق و عموم روایت صحیح از امام کاظم (ع) است که حضرت فرمودند: «اصحاب الکبائر کلهما، اذا اقیم علیهم الحد مرتین قتلوا فی الثالثه» (حرعاملی) که پیشتر بررسی شد.

در مقابل، کسانی که قائل‌اند که در مرتبه چهارم کشته می‌شود دلیل آنان روایت خاصه است که در مورد هریک جدا گانه وارد شده است. هرچند در مورد بعضی جرائم مذکور، روایت خاصه داریم که نظریه کشتن در مرتبه سوم را به اثبات می‌رساند. مثلاً در رابطه با شارب خمر صحیحه ابی عبیده از امام صادق (ع) است، که حضرت فرمود: «من شرب الخمر فاجلدوه، فان عاد فاجلدوه، فان عاد فاقتلوه» (همان) [کسی را که شراب بنوشد تازیانه بزیند، اگر دو بار بنوشد، باز هم تازیانه بزیند و اگر سه بار بنوشد او را بکشید].

و نیز صحیحه جمیل بن دراج از امام صادق (ع) که حضرت فرمود: «اذا شرب ضرب، فان عاد ضرب، فان عاد قتل فی الثالثه» (حرعاملی) [زمانی که کسی شراب بنوشد باید زده شود، اگر باز بنوشد، باز زده می‌شود و اگر سه باره بنوشد کشته می‌شود]. و همینطور صحیحه سلیمان بن خالد که وی می‌گوید: «کان امیر المؤمنین (ع) یضرب فی النبیذ المسکر ثمانین کما یضرب فی الخمر، و یقتل فی الثالثه کما یقتل فی الخمر» (همان) [امیر المؤمنین (ع) در مورد نبیذ هشتاد نازیانه می‌زد همچنانکه در مورد شراب می‌زد و بار سوم می‌کشت چنانکه در شراب می‌کشد].

نظیر این روایات، روایات دیگری نیز هست که مضمون آن‌ها کشتن در مرتبه سوم است؛ به همین دلیل، مرحوم محقق حلی بطور قطع این عقیده را در مورد شارب خمر پذیرفته، و برخلاف تشدید مجازات در مورد زنا که کشتن در بار چهارم را اولی دانسته بود، در این مورد آن را اولی هم ندانسته است. (محقق حلی، ۱۴۱۵)

با این همه، مرحوم شیخ طوسی در کتاب الخلاف و المبسوط (شیخ طوسی، ۱۴۱۱) و شیخ مفید در کتاب المقنعه کشتن در مرتبه چهارم را پذیرفته‌اند. بدین استدلال که: در زنا که گناهی است سنگین‌تر از شرابخواری، بار چهارم مرتکب آن کشته می‌شود، چنانکه گذشت، پس اینجا بطریق اولی باید بار چهارم کشته شود.



مرحوم صاحب مسالك در رد این قول می‌نویسد: اولاً، دلائل عقیده دوّم نمی‌تواند با اخبار فراوان و صحیح که مثبت نظریه اول است، تعارض کند. ثانیاً، حکم این مسأله (کشتن در بار سوّم) دلالت دارد بر اینکه کشتن شخص زنا کار و مرتکب گناهان کبیره دیگر، در مرتبه سوّم قوی‌تر است؛ زیرا شرابخواری گناهی است سبک‌تر از دیگر گناهان کبیره و روایات فراوان در مورد کشتن شرابخواری برای بار سوّم، مؤید روایات صحیح مربوط به کشتن مرتکب هر گناه کبیره برای بار سوّم است. (شهید ثانی، ۱۴۱۳)

### قیادت

پنجمین امری که مستوجب اجرای حد، و تکرار آن موجب تشدید مجازات خواهد شد؛ عبارت است از قیادت. به این شرح که: اگر چنانچه قواد زن باشد، تا آنجا که استقصا گردید، قائل به تشدید مجازات در مورد آن، به گونه‌ای که در مورد مرد گفته شده است، در کتاب‌های فقها یافت نشد، و بلکه برخی از فقها صراحتاً مجازات تشدید را در مورد زن منتفی دانسته و دلیل آنرا عدم الدلیل بیان کرده است. (موسوی اردبیلی، ۱۳۰۴) اما اگر مرد باشد و دوبار مرتکب این عمل شود و در خلال آن حدّ بر وی جاری شود، مرحوم شیخ مفید و ابن زهره (غنیة النزوع الی علمی الاصول و الفروع) و سلار (المراسم فی الفقه الامامی) و... فرموده‌اند: در مرتبه دوم از شهر بیرونش می‌کنند. مرحوم ابن زهره فرموده است: روایتی داریم که مردی عمل قیادت را تکرار کند و در خلال آن‌ها سه مرتبه بدین جهت بر او حدّ جاری شود در مرتبه چهارم از او خواسته می‌شود که از این عملش توبه کند که اگر توبه کرد، توبه اش قبول می‌شود و فقط بر او حدّ جاری می‌شود، و الا کشته می‌شود و در صورتی که توبه کرد و توبه او مورد قبول واقع شد، و بعداً مجدداً (دفعه پنجم) مرتکب این عمل شد، در این صورت کشته خواهد شد بدون اینکه توبه‌ای از او خواسته شود.

### سرقت

سرقت و دزدی نیز یکی از چیزهایی است که باعث می‌شود بر مرتکب آن حد الهی جاری شود و در صورتی که مکرر انجام بگیرد مجازات مرتکب آن تشدید شود. حدّ چنین مجرمی آن است که در مرتبه نخست چهار انگشت دست راستش را ازین قطع می‌کنند- البته این در صورتی است که برای او پنج انگشت باشد اما اگر این انگشتان ناقص باشند بر تعداد موجود، هرچند بدون انگشت شصت، تنها یک انگشت باشد، اکتفا می‌شود، اگر انگشت زایدی برای او باشد، قطع آن جایز نیست تا مبادا بر خلاف شرط معهود و عادت مألوف عمل گردد (گرجی، ۱۳۹۵) اما اگر این عمل تکرار شد، در مرتبه دوّم پای چپش را از بن قدم بریده و پاشنه اش گزارده می‌شود، و اگر برای بار سوّم این عمل از وی سرزند، تا وقت مردن، او را در زندان حبس و از بیت المال بر او انفاق می‌کنند و اگر در زندان نیز مرتکب دزدی شود کشتن او واجب می‌شود. (محقق حلی، ۱۴۱۵)

ح) نهمین عمل مجرمانه‌ای که مستوجب حد می‌باشد، ارتداد است. مفهوم آن بریدن از اسلام است که گاهی به فعل است، چون بت پرستی و سجده کردن برای کسی به قصد خدایی، و گاهی به قول، چون انکار آن چه که از ضروریات دین دانسته شده است. (شهید ثانی، ۱۴۱۳ و گرجی، ۱۳۹۵) موافق نظر مشهور فقهای امامیه (همان) مرتد بر دو قسم است: فطری، و ملی؛ مرتد فطری کسی است که بر فطرت اسلام به دنیا آمده باشد بدین معنی که نطفه او در هنگام مسلمان بودن ابوبن او یا یکی از آنان بسته شده باشد و کشتن چنین کسی در هر حال واجب است؛ زیرا توبه او در ظاهر پذیرفتنی نیست. قسم دوّم، مرتد ملی است، و آن کسی است که از کفر به اسلام روی آورد و سپس کافر شود، توبه او در ظاهر و باطن قبول می‌شود و کشتن او واجب نیست، بلکه ابتدا از او خواسته می‌شود که توبه کند و یا به مجازات قتل تن در دهد.

هرگاه ارتداد به طور مکرر واقع شود، یعنی اگر مسلمانی پس از کافر شدن توبه کند و مجدداً اسلام آورد و بعد از اسلام مجدداً کافر شود به عقیده جماعتی از فقها در مرتبه سوم کشته می‌شود؛ زیرا کفر از بزرگترین گناهان است و مرتکبان گناهان کبیره به دلالت روایت صحیح یونس در مرتبه سوّم کشته می‌شوند (شهید ثانی، ۱۴۱۳) اما به عقیده برخی چون شیخ طوسی در کتاب خلاف و دیگران به دلیل اقتضای احتیاط در دماء، باید در مرتبه چهارم کشته شود. (شیخ طوسی، ۱۴۰۰)



### تکرار در قصاص و دیات

تکرار در جرائم مستوجب قصاص و دیات، تأثیری در تشدید آن ندارد و از علل تشدید مجازات به حساب نمی‌آید؛ زیرا طبق آیات و نصوص، یکی از شرایط اجرای قصاص اعم از قصاص نفس و عضو، تساوی بین جرم و مجازات است، بنابراین بر اثر تکرار، تشدید در قصاص مفهومی ندارد. در دیات هم هر مقداری که جرم مستوجب آن تکرار شود، باید دیه آنرا پرداخت کند. بناءً تشدید در آن بی معنی است.

### تکرار در جرائم تعزیری

تکرار در جرائم تعزیری و بازدارنده از علل مشدده مجازات است و در صورت لزوم، حاکم عادل اسلامی می‌تواند مجازات‌های بازدارنده را تشدید نماید، و تعیین میزان مجازات و تشدید آن از اختیارات قاضی است. به همین جهت در مسائل مربوط به «مجازات باهم خوابیدن» که از جرائم تعزیری است، در کتب فقهی ما آمده است: اگر دو مرد برهنه، زیر یک روانداز خوابیده باشند و بین آنها خویشاوندی نباشد از سی تا نودونه تازیانه تعزیر می‌شوند و اگر این عمل تکرار شود و در خلال آن تعزیر شده باشد، بار سوم حد زده می‌شود. (محقق حلی، ۱۴۱۵) این تشدید مجازات به خاطر آن است که شخص مجرم از اجرای مجازات قبلی متنبه نشده و در حقیقت یکی از اهداف مهم مجازات که اصلاح اوست تأمین نگردیده و لذا می‌بایست باچنین فردی برخورد شدیدتری به عمل آید.

در مورد دو زن بیگانه‌ای که زیر یک لحاف برهنه خوابیده باشند، نیز آمده است: «هرکدام از آنها به مجازاتی کم تر از حد تعزیر می‌شوند. و اگر این عمل با وجود اجرای تعزیر، دو بار تکرار شود، بار سوم حد بر آنها جاری می‌شود» (محقق حلی، ۱۴۱۵) این احکام اسلامی به خوبی نشان می‌دهند که عامل تعیین مجازات تنها «جنبه ذاتی جرم» نیست، بلکه عوامل گوناگونی، همچون تعدد و تکرار کاملاً در آن موثر می‌باشد.





## نتیجه گیری:

اولا: تشدید مجازات یعنی اعمال حداکثر مجازات مقرر در قانون که به آن اشد مجازات نیز می‌گویند و [قاضی] نمی‌تواند از مجازات قانونی فراتر رفته و بیش از مجازات مقرر در قانون اعمال مجازات نماید. مثلا: چنانچه حداکثر مجازات قانونی دو سال حبس باشد نمی‌توان مجازات سه سال حبس را اعمال نمود.

ثانیا: تشدید مجازات یا اختیاری است یا اجباری.

۱- در تعدد جرم و تکرار جرم که از علل مشدد عام مجازات‌ها هستند که در مواد ۱۳۱ و ۱۳۲ و ۱۳۶ از قانون مجازات اسلامی آمده است. در اینجا اعمال تشدید مجازات اختیاری است و قاضی می‌تواند با توجه به اوضاع و احوال مرتکب جرم و نحوه و علت یا علل و جهات و کیفیات وقوع جرم نسبت به تشدید مجازات اقدام نماید و اینکه تعدد اعم از مادی و واقعی یا معنوی و اعتباری است که در حین اعمال مجازات در تعدد مادی و واقعی هرگاه با عناوین جزایی مختلفی که قانون‌گذار برای هر یک مجازات جداگانه مدنظر گرفته است، وفق آن قانون برای هر یک از عناوین مجازات خاص اعمال خواهد شد و هرگاه افعال متعدد عنوان جزایی خاص داشته باشد (تعدد معنوی یا اعتباری) همان مجازات مربوط به آن عنوان خاص اعمال خواهد شد.

۲- اما در علل مشدده خاص که عموما اجباری هستند، تشدید مجازات وفق قانون خاص نسبت به آن جرم ارتكابی اعمال خواهد شد و قاضی مکلف است به اعمال آن مجازات اقدام نماید.

مثلا: چنانچه مرتکب سردستگی ارتكاب جرمی را عهده‌دار باشد سردسته به حداکثر مجازات اجباری محکوم خواهد شد (ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی) (تشدید مجازات اجباری شخصی) و چنانچه مرتکب با آن شرایط اقدام به آدم‌ربایی نماید مرتکب به اشد مجازات محکوم خواهد شد (تشدید مجازات اجباری نوعی) یا در حدود الهی چنانچه کسی مرتکب سه بار زنا شود در مرتبه چهارم اعدام خواهد شد و یا بر پیرزن و پیرمرد زانی علاوه بر رجم حد جلد هم جاری خواهد شد یا تغلیظ دیه در ماه‌های حرام.

ثالثا: موارد منع قانونی در اعمال تخفیف در مجازات. از جمله محکومیت حبس که حداقل آن بیش از ۹۱ روز حبس باشد و تبدیل آن به جزای نقدی (که به نوعی تخفیف در مجازات است) مطابق بند دوم از ماده سوم از قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب سال ۱۳۹۲ ممنوع است.



منابع و ماخذ:

الشریف المرتضی علم الهدی، علی بن الحسین الموسوی، «الانتصار»  
ابن زهره حلبی السید حمزه بن علی، «عنیة النزوع الی علمی الاصول و الفروع» ج ۱  
ابن حمزه طوسی، محمد بن علی، (۱۳۸۹) «الوسیله الی نیل الفضیله» ناشر: کتابخانه عمومی حضرت ایت الله العظمی  
مرعشی نجفی

الحر العاملی، شیخ محمد بن حسن، «وسائل الشیعه» ج ۲۷، قم: دارالنشر  
اشتهاردی، علی پناه، «مجموعه فتاوی ابن الجنید» قم: موسسه نشر اسلامی  
ابن ادريس حلی، ابی جعفر محمد بن منصور بن احمد، «کتاب السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی» ج ۳،  
تبریزی، میرزا جواد (۱۳۸۵) «تنقیح مبانی الاحکام / الحدود و التعزیرات» ناشر: دار الصدیقه الشهیده  
رحمدل، منصور (۱۳۸۸) " منع تشدید مجازات در مرحله ی تجدید نظر " مجله حقوقی دادگستری، سال ۷۳ شماره ۶۷  
رحمانی منشادی، مهدی (۱۳۹۴) " منع تشدید مجازات در مرحله تجدیدنظر " پایگاه تخصصی نشر مقالات حقوقی  
زراعت، عباس (۱۳۸۲) اصول آئین دادرسی کیفری، نشر مجمع فرهنگی مجد  
سلار دیلمی، حمزه بن عبد العزیز، (۱۴۱۴) «المراسم فی الفقه الامامیه» المعاونیه الثقافیه للمجمع العالمی لأهل البيت  
عليهم السلام

ساریخانی، عادل، (۱۳۹۲) «حقوق جزای عمومی اسلام» نشر: دانشگاه پیام نور  
شامبیاتی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، تهران، نشر ژوبین، آذر ۸۴.  
شهید ثانی، زین الدین (۱۴۱۳) «مسالك الافهام» ج ۲، قم: موسسه المعارف الاسلامیه  
شیخ طوسی، ابوجعفر بن محمد بن حسن، «النهایه»  
شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، «المقنعه» موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت  
خمینی، سید روح الله تحریر الوسیله، اول، قم، مؤسسه دارالعلم، ۱۴۰۹ق.  
طباطبایی (علامه)، سید محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق، چاپ  
پنجم، ج ۱۶

طباطبایی، سید علی بن ابی معاذ، ریاض المسایل، اول، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۸ق.  
عبداللهی، اسماعیل (۱۳۷۲) تشدید مجازات در حقوق کیفری ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران» دانشگاه شهید  
بهشتی

فاضل موحدی لنگرانی، محمد (۱۳۹۱) «تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله / الحدود» نشر: موسسه چاپ و نشر  
عروج

نجفی، محمدحسن ( 1404 ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، چ هفتم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.  
محقق حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن حسن (۱۴۱۵ ق) «شرايع الاسلام فی مسائل الحرام و الحلال» ج ۴،  
قانون مجازات اسلامی مصوب